

واژگان سال اول

درس ۱

again	دوباره
all day long	تمام طول روز
all over	سراسر
alone	تنها
call	نامیدن ، زنگ زدن به کسی
exercise	تمرین
grow up	بزرگ شدن
kindergarten	مهرکودک
mean	معنا دادن
pay attention	توجه کردن

درس ۲

full	پر
funny	جالب
get late	دیر شدن
important	مهم
keep	نگه داشتن
land	زمین
laugh	خندیدن
necessary	لازم
pick	برداشتن ، کردن
quite	کاملاً

درس ۳

angry	عصبانی
be afraid	بیمناک ، نگران
boil	پوشاندن
find	پیدا کردن
forget	فراموش کردن
great	بزرگ
leave	ترک کردن ، رفتن
move	حرکت دادن

out of reach	دور از دسترس
return	برگشتن ، برگرداندن
servant	خدمتکار
sleepy	خواب آلود
solve	حل کردن
until	تا زمانی که
wise	عاقل

درس ۴

autumn	پاییز
beside	کنار
borrow	قرض گرفتن
branch	شعبه
comfortable	راحت
loud	بلند
noise	سرو صدا
only	فقط
push	هل دادن
warm	گرم

درس ۵

change	تغییر دادن
draw	نقاشی کردن
fight	مبارزه
finally	سرانجام
foreign	خارجی
group	گروه
language	زبان
order	سفارش دادن
repeat	تکرار کردن
sell	فروختن

درس ۶

above	بالا ، روی
at all	اصلاً
attractive	جذاب

build	ساختن
burn	سوزاندن
else	دیگر
engine	موتور
enough	کافی
good-looking	خوش‌په‌ره
how odd	چقدر عجیب
in front of	روبروی، مقابل
light	روشن
look for	جستجو کردن
member	عضو
once more	یک بار دیگر
really	واقعاً
rise	بلند شدن
steam	بخار
succeed	موفق شدن
turn into	تبدیل شدن

درس ۷

discover	کشف کردن
during	در طول
fly	پرواز کردن
get lost	گم شدن
happen	اتفاق افتادن
hope	امید داشتن
insect	حشره
migrate	مهاجرت کردن
moon	ماه
mystery	راز
plan	نقشه کشیدن ، برنامه‌ریزی کردن
plenty (of)	مقدار زیاد
same	یکسان
season	فصل
secret	راز
seed	دانه

درس ۸

be surprised	شکه شدن - هیجان زده شدن
change	عوض کردن
dress	پوشیدن
explain	توضیح دادن
guest	مهمان
host	میزبان
invite	دعوت کردن
kill	کشتن
nationality	ملیت
poor	فقیر
receive	دریافت کردن
repair	تعمیر کردن
reply	پواب دادن
rich	ثروتمند
share	سهم
strange	عجیب
sunset	غروب
treat	رفتار کردن
trip	سفر

درس ۹

accept	پذیرفتن
admire	تسین کردن
among	در میان
be born	متولد شدن
century	قرن
creator	خالق
destroy	شراب کردن
duty	وظیفه
enemy	دشمن
entire	تمام
follow	دنبال کردن، پیروی کردن
follower	پیرو

guide	راهنمایی کردن
honesty	صداقت
idol	بت
last (n)	آفرین
mankind	بشریت
message	پیغام
preach	موعظه کردن
prophet	پیامبر
send	فرستادن
sense	حس
title	لقب
true	واقعی ، صحیح ، درست
trustworthy	درستکار
truthful	صادق
turn against	مخالف شدن
universe	جهان
worship	پرستش کردن

واژگان سال دوم

درس ۱

according to	براساس ، برطبق
bill	سورت حساب ، پول
cage	قفص
decide	تصمیم گرفتن
give back	برگرداندن
keep on	ادامه دادن
make a mistake	اشتباه کردن
passage	متن
request	درخواست کردن
reward	پایزه
run out of	تمام کردن ، تمام شدن
take ... apart	جدا کردن

درس ۲

airport	فرودگاه
bridge	پل
church	کلیسا
coach	ارابه ، درشکه
employ	استخدام کردن
factory	کارخانه
glow	درخشیدن
history	تاریخ
knowledge	دانش
navy	نیروی دریایی
photographer	عکاس
rather	نسبتاً
sailor	ملوان
space	فضا
steal	دزدیدن

understand فهمیدن

wide پهلو

windy بادی

درس ۳

hurt آسیب رساندن

magazine مجله

match مسابقه

offer پیشنهاد

price قیمت

pull کشیدن

punish تنبیه کردن

repair تعمیر کردن

speed سرعت گرفتن، با سرعت رفتن

thumb انگشت شست

tiny خیلی کوچک

track راه، مسیر

war جنگ

درس ۴

against علیه، خلاف

although اگرچه

boss رئیس

coal زغال سنگ

complete تکمیل کردن

countryman هم‌شهری، هم‌وطن

cruel ظالم

cry گریه کردن

earn به دست آوردن، گرفتن

handle دستگیره

ill مریض، بیمار

law قانون

metal فلز

perfectly	کاملاً
prefer	ترجیح دادن
promise	قول دادن
real	حقیقی
reason	دلیل
terrible	فیلی بد

درس ۵

can	قوچی
capital	پایتخت
crowded	شلوغ ، پرجمعیت
get into trouble	در دردسر افتادن
hate	متنفر بودن
lazy	تنبلی
lovely	دوست داشتنی
mixed up	کیچ
museum	موزه
population	جمعیت
seaside	ساحل
taste	منزه کردن
trip	سفر

درس ۶

advice	نهیست ، توصیه
bother	اذیت ، آزار
breath	نفس
breathe	تنفس کردن
coin	سکه
cover	پوشاندن
cure	درمان کردن
disease	بیماری
giggle	خندیدن

hiccup	سکسکه، سکسکه کردن
humid	شرعی
jerk	تکان خوردن
last	باقی ماندن، طول کشیدن
lend	قرض دادن
medicine	دارو
mind	فکر کردن
miss	از دست دادن
muscle	عضله، ماهیچه
obey	اطاعت کردن
order	دستور دادن، دستور
scare	ترساندن
second	ثانیه
successful	موفق
unwelcome	ناخواسته، نامطلوب

درس ۷

actually	مقیقتاً، در مقیقت
agree	موافقت کردن
appointment	قرار ملاقات
behaviour	رفتار
comment	نظر دادن
common	معمول، عمومی
conversation	گفت و گو
depend (on)	وابسته بودن
describe	توصیف کردن
different (from)	متفاوت
disagree	مخالفت کردن
education	آموزش، تعلیم
expect	انتظار داشتن
expression	اصطلاح

greet	سلام و احوالپرسی کردن
health	سلامتی ، تندرستی
idea	ایده ، عقیده
importance	اهمیت
necessary	لازم
opinion	فکر ، ایده ، عقیده
peace	صلح ، آرامش
politics	سیاست
purpose	دلیل ، غرض ، هدف
religion	مذهب
require	نیاز داشتن
safe	امن ، بی خطر
similar	شبهه
social	اجتماعی
sufficient	کافی
suitable	مناسب
vocabulary	واژگان

واژگان سال سوم

درس ۱

allow	اجازه دادن
at the end of	در انتهای
average	متوسط ، میانگین
careful (about)	مراقب
effect	اثر ، تأثیر
except	به جز
experiment	آزمایش
eyesight	بینایی
future	آینده
get ... away from	چرا کردن
harmful	مضر
holiday	تعطیلی
improve	بهبود بخشیدن
influence	تحت تأثیر قرار گرفتن
movie	فیلم
observation	نتیجه ، مشاهده
once	یک بار
period	دوره
pressure	فشار
probably	احتمالاً
recent	اخیر
relax	آرامش
single	یکسان ، مفرد
skill	مهارت
stay	ماندن
struggle	کشمکش
successfully	باموفقیت
take a test	امتحان دادن

درس ۲

as soon as	به محض این‌که
ashamed (of)	شرمنده
discussion	بحث
education	تعلیم و تربیت ، آموزش
end	هرف
examine	امتحان کردن
fashionable	مد
fit	آماده کردن
forbid	ممنوع کردن
goal	هرف
honest	صادق
however	به هر حال
in fact	در حقیقت
in other words	به عبارت دیگر
insist on	پافشاری کردن
lie (v)	دراز کشیدن ، قرار داشتن
means	وسیله
nation	ملت
passenger	مسافر
perfect	کامل
possible	امکان پذیر
prepare	آماده کردن
produce	تولید کردن
realize	فهمیدن ، درک کردن
refuse	رد کردن
service	خدمت
show	نشان دادن
society	جامعه
useful	مفید
value	ارزش

درس ۳

ability	توانایی
area	ناحیه
basis	اساس
briefly	به طور خلاصه، به طور کم
conscious	آگاه
detail	جزئیات
emotional	احساسی
even (adj)	یکنواخت، یکسان
event	عادثه
exist	وجود داشتن
information	اطلاعات
look after	مراقبت کردن
loss	فقدان
mental	روانی
occur	اتفاقی کردن
psychologist	روانشناس
recall	به یاد آوردن
record	نکته داشتن، ضبط کردن
responsible (for)	مسئول
search for	جستجو کردن

درس ۴

and so on	و غیره
athlete	ورزشکار
attract	جذب کردن
award	اعطا کردن
basically	اساساً
bottom	پایین
celebration	جشن
competition	رقابت

consist of	شامل شدن
depth	عمق
encourage	تشویق کردن
envelope	پاکت نامه
force	نیرو
fortune	شانس
friendship	دوستی
heat	گرمی
height	بلندی ، ارتفاع
hold	نگه داشتن - برگزارد کردن
immediately	بلافاصله
include	شامل شدن
individual	فرد ، شخص
instructions	دستورالعمل
international	بین‌المللی
lake	دریاچه
length	طول
measure	اندازه‌گیری کردن
operate	عمل کردن
organize	سازمان دادن
religious	مذهبی
serious	جدی

درس ۵

amused	سرگرم
bored	کسل
confused	گیج
exciting	هیجان‌انگیز
far apart	دور از
fast (v)	روزه گرفتن
fear	ترس
frightened	ترسیده

habit	عادت
instead (of)	به جای ، در عوض
invent	اختراع کردن
involve	شامل شدن
keep accounts	حسابداری کردن
manage	اداره کردن ، تنظیم کردن
meal	وعده ی غذایی
report	گزارش
smell	بو دادن
taste	مزه کردن

درس ۶

action	عمل
aspect	جنبه
available	در دسترس
by means of	به وسیله
capacity	ظرفیت
chemist	داروساز
constantly	به طور ثابت — همواره
deny	رد کردن
design	طراحی کردن
disabled	معلول
drug	دارو
endeavour	تلاش
entertainment	تفریح ، سرگرمی
exactly	دقیقاً
furthermore	علاوه بر این
giant	غول آسا
handle	اداره کردن
in addition to	علاوه بر
influence	تأثیر گذاشتن ، اثر

inform	آگاه کردن
orbit	پرشیدن
otherwise	در غیر این صورت
perform	انجام دادن
process	پردازش کردن
properly	به درستی
research	تحقیق کردن
separate	جدا ، میز
task	عمل ، وظیفه
tower	برج

واژگان پیش دانشگاهی

درس ۱

bend	خم کردن
compare	مقایسه کردن
confidence	اعتماد
cue	سرنخ ، الگو ، مثال
define	توضیح دادن
definition	توضیح ، تعریف
distract	پرت کردن حواس
disturb	مزاحم شدن
efficiently	با کارایی ، با لیاقت
flexible	انعطاف پذیر
fuel	سوخت
lung	ریه ، شش
nutrient	ماده‌ی غذایی
proportion	نسبت
protect	حفاظت کردن
quality	کیفیت
regularly	به‌طور منظم ، اغلب
release	آزاد کردن
rely	وابسته بودن
statement	گزارش ، بیان
stretch	دراز کردن ، کشیدن
vessel	رک
victory	پیروزی

درس ۲

anxious	نگران
attribute	نسبت دادن
aware	آگاه ، مطلع

background	پیش‌زمینه ، سابقه ، وضعیت
calssify	طبقه‌بندی کردن
communicate	ارتباط برقرار کردن
compose	نوشتن ، تشکیل دادن
contact	ارتباط ، تماس
content	مشتویات
continuously	پیوسته ، بلاانقطاع
convey	بیان کردن ، رساندن
embarrassment	شرم ، دستپاچگی
emphasize	تاکید کردن
explicit	واضح ، روشن
expression	حالت چهره
firmly	به‌طور مطلق ، به‌طور قاطع
generalize	عمومی کردن ، تعمیم دادن
gesture	حرکت دست و سر
humor	طنز
implicit	تلویحی
involve	گرفتار کردن
nervousness	نگرانی
occasion	مناسبت ، زمان
promotion	ارتقاء

درس ۳

atmosphere	جو ، فضا
audience	شنوندگان ، حضار
climate	آب و هوا
concerned	نگران
condition	وضعیت ، موقعیت
environment	محیط
extinction	انقراض
global	جهانی

issue	مسئله ، موضوع
mainly	عمدتاً
particular	خاص
recognize	تشخیص دادن
recycle	بازیافت
region	منطقه
speculate	درس زدن ، اندیشیدن
surrounding	اطراف ، محیط
temperature	دما
trap	مبس کردن ، گیر انداختن

درس ۴

agriculture	کشاورزی
assume	پنداشتن ، فرض کردن
core	هسته
crust	پوسته
earthquake	زمین لرزه
emergency	وضعیت اضطراری
estimate	تخمین زدن
float	غوطه‌ور ماندن
flood	سیل
forecast	پیش‌بینی
hypothesize	فرضیه دادن
instrument	وسیله
locate	تعیین محل کردن
layer	لایه
mantle	جبه
melt	ذوب شدن ، آب شدن
overpass	پل هوایی
pacific	آرام
procedure	دستورالعمل

provide	تهیه کردن ، فراهم کردن
rattle	تلق و تولوق کردن
reality	حقیقت
shake	لرزیدن ، تکان خوردن
smoothly	به آرامی ، به نرمی
survive	زنده ماندن

درس ۵

aid	کمک
connect	وصل کردن
develop	توسعه یافتن ، تولید کردن
domestic	شائلی ، اهلی
economical	مقرون به صرفه
exemplify	نمونه بودن ، مثال آوردن
extreme	عجیب ، شدید
hire	اجاره کردن ، استخدام کردن
income	درآمد
industrialize	صنعتی کردن
irrelevant	بی ربط
labor	کار
manufacture	تولید کردن
prevent	مانع شدن
rural	روستایی
urban	شهری
vacation	تعطیلی ، تعطیلات
willing	مشتاق ، علاقه مند

درس ۶

artificial	مصنوعی
beyond	فرا تر
brief	مقتصر
brilliant	باهوش
density	تراکم

era	دوره
explicit	واضح ، روشن
feature	چهره ، جنبه ، ویژگی
launch	آغاز کردن ، فرستادن
leap	پرش
magnify	بزرگ کردن
mass	مجموعه ، جرم
mission	مأموریت ، وظیفه
vehicle	وسیله ی نقلیه

درس ۷

access	دسترسی
addictive	اعتیاد آور
advertising	تبلیغات
attach	وصل کردن ، الصاق کردن
charity	خیریه
communications	ارتباط
complex	پیچیده
concentrate	تمرکز کردن
contrast	تقابل
destination	مقصد
document	مدرک
frequently	اغلب
interchangeable	قابل جایگزینی
satellite	ماهواره ، قمر
transfer	حمل ، انتقال

درس ۸

achievement	موفقیت ، دستاورد
annoy	آزرده کردن ، ناراحت کردن
apprentice	شاگرد ، نوآموز ، تازه کار
community	اجتماع

devote	اقتضای دادن
financial	مالی
genius	نبوغ
impression	اثر ، تأثیر
inspiration	الهام
merely	به سادگی ، فقط
official	کارمند ، صاحب منصب
perspiration	تعریق ، پشت کار ، زحمت
poverty	فقر
sign	علامت
slum	مملهی فقیرنشین
talented	با استعداد
voluntary	داوطلبانه

1. appropriate	مناسب	29. channel	کانال - شبکه	57. structure	ساختار
2. sweet	ابنبات - شیرینی	30. choice	انتخاب - چاره	58. happen	اتفاق افتادن
3. present	هدیه	31. wide	گسترده - وسیع - پهن	59. statement	جمله
4. midnight	نیمه شب	32. make a choice	انتخاب کردن	60. same	همان - یکسان
5. sentence	جمله	33. choose	انتخاب کردن	61. compare	مقایسه کردن
6. explain	توضیح دادن	34. single	تک - منفرد	62. previous	قبلی - سابق
7. suggest	پیشنهاد کردن	35. movie	فیلم	63. expression	عبارت - اصطلاح
8. offer	پیشنهاد کردن	36. viewer	بیننده	64. indicate	نشان دادن
9. editor	سر دبیر - ویراستار	37. recent	اخیر - جدید	65. function	نقش - عملکرد
10. assignment	تکلیف	38. research	تحقیق	66. timetable	برنامه درسی
11. comparison	مقایسه	39. housewife	خانه دار	67. physical education	تربیت بدنی
12. departure	عزیمت - حرکت	40. get away from sth	کسی را از چیزی دور کردن	68. biology	زیست شناسی
13. arrival	ورود	41. effect	تاثیر	69. geometry	هندسه
14. cost	قیمت داشتن - ارزیابی	42. experiment	آزمایش	70. theology	الهیات - دینی
15. depressed	افسرده - غمگین	43. recently	اخیرا	71. in pairs	دو نفری - جفت
16. mean	منظور داشتن	44. period	دوره - مدت	72. pronunciation	تلفظ
17. famous	معروف - مشهور	45. simply	(در جمله منفی) ابتدا - صرفا	73. column	ستون
18. interesting	جالب	46. continue	ادامه یافتن	74. foe	دشمن
19. eagle	عقاب	47. observation	مشاهده	75. cough	سرفه
20. believe	معتقد بودن - باور داشتن	48. struggle	نزاع - کشمکش	76. wonder	تعجب - حیرت
21. How long	چه مدتی	49. pressure	فشار	77. wonderful	فوق العاده - شگفت اور
22. hurry	عجله - شتاب	50. eyesight	بینایی	78. researcher	محقق - پژوهشگر
23. average	متوسط - میانگین - معدل	51. case	مورد	79. weak	ضعیف
24. worried	نگران	52. certain	معین	80. except	به جز
25. relaxed	راحت - اسوده	53. allow	اجازه دادن	81. skill	مهارت
26. plenty	زیاد	54. influence	تاثیر گذاشتن	82. skillful	ماهر
27. improve	بهبود بخشیدن - بهتر شدن	55. harmful	مضر - زیان اور	83. certainty	اطمینان - یقین
28. look	به نظر رسیدن	56. behave	رفتار کردن	GeneralEnglish.ir	

1. plan برنامه داشتن - برنامه ریزی کردن	21. purpose هدف	41. avoid اجتناب کردن از
2. educate پرورش دادن - آموزش دادن	22. fit آماده کردن	42. imagine تصور کردن
3. government دولت	23. as soon as به محض اینکه	43. mind اهمیت دادن
4. realize فهمیدن - پی بردن	24. prepare آماده کردن	44. miss نرسیدن به - از دست دادن
5. ashamed شرمند (از)	25. examine بررسی کردن	45. flight پرواز
6. Silly احمق - احمقانه	26. suitable مناسب	46. passenger مسافر
7. value ارزش	27. fashionable رایج - مد	47. clerk کارمند - فروشنده
8. dangerous خطرناک	28. stupid احمق - احمقانه - کودن	48. force نیرو
9. forbidden ممنوع	29. society جامعه - اجتماع	49. identify شناسایی کردن
10. dislike دوست نداشتن	30. perfect کامل - عالی	50. add افزودن
11. insist اصرار کردن (به)	31. nation ملت - کشور	51. result نتیجه
12. keep (on) ادامه دادن	32. already قبلا	52. drill تمرین
13. proper مناسب - درست	33. degree مدرک - درجه	53. employ استخدام کردن
14. prefer ترجیح دادن	34. refuse خود داری کردن - رد کردن	54. honestly صداقتانه
15. possible ممکن - امکان پذیر	35. service خدمت - خدمات	55. discussion بحث - گفتگو
16. impossible غیر ممکن	36. produce تولید کردن - ایجاد کردن	56. forbid ممنوع کردن
17. generally عموما - در کل	37. cure معالجه کردن	57. safe ایمن - مناسب
18. involved درگیر	38. rubbish اشغال - زباله	58. safety امنیت
19. end هدف	39. educated تحصیل کرده	
20. means وسیله	40. do best به بهترین وجه انجام دادن	GeneralEnglish.ir

1. memory حافظه - یاد - خاطره	28. object شیء - جسم	55. look after مراقبت کردن از
2. once یک بار	29. scene صحنه	56. note یادداشت - توضیح
3. stick چسبیدن - چسباندن	30. briefly به طور خلاصه - اندکی	57. follow دنبال - آمدن
4. stick in one's mind در ذهن کسی ماندن	31. recall به یاد آوردن	58. precede قبل از آمدن - مقدم بودن
5. mind ذهن	32. interest علاقه	59. separate جدا شدن - جدا کردن
6. foreigner فرد خارجی	33. emotional عاطفی - احساساتی	60. depend بستگی داشتن
7. detail جزئی - جزئیات	34. feeling احساس	61. hobby سرگرمی
8. painful دردناک	35. lose از دست دادن	62. together با هم
9. dead مرده	36. occur اتفاق افتادن	63. however با وجود این
10. weak ضعیف	37. mental ذهنی - روانی	64. already قبلاً
11. strong قوی	38. chemical شیمیایی	65. guidance هدایت - راهنمایی
12. yet با وجود اینکه	39. basis اساس - مبنا	66. existence وجود - هستی
13. seem به نظر رسیدن	40. similar مشابه - شبیه (به)	67. invitation دعوت - دعوت نامه
14. brain مغز	41. pace سرعت	68. migration مهاجرت
15. ability توانایی	42. loss صدمه - لطمه	69. through از میان - از طریق
16. record سابقه - ثبت	43. conscious هوشیار - آگاه	70. accept پذیرفتن
17. event واقعه	44. give back برگرداندن	71. planet سیاره
18. record ثبت کردن - ضبط کردن	45. pick up برداشتن	
19. amount مقدار - میزان	46. coin سکه	
20. information اطلاعات	47. wake up بیدار کردن - بیدار شدن	
21. psychologist روان شناس	48. call up تلفن کردن	
22. take place اتفاق افتادن	49. enter وارد شدن	
23. even یکنواخت - منظم - حتی	50. look for دنبال... گشتن	
24. over learning یادگیری با تکرار زیاد	51. history تاریخ	
25. poem شعر	52. responsible مسئول (برای)	
26. over and over again بارها و بارها	53. noise سر و صدا	
27. in great detail با جزئیات زیاد	54. afraid ترسیده (از)	

1. win	برنده شدن	27. consist	شامل بودن	53. instruction	آموزش - دستور العمل
2. athlete	ورزشکار	28. fortune	بخت - شانس	54. previous	قبل - سابق
3. wrestling	کشتی	29. include	شامل بودن	55. promise	قول دادن
4. wrestle	کشتی گرفتن	30. award	اعطای کردن - دادن	56. transportation	حمل و نقل
5. celebration	جشن	31. individual	فرد - انفرادی	57. section	قسمت - بخش
6. religious	مذهبی	32. silver	نقره	58. envelope	پاکت نامه
7. cover	پوشاندن	33. orally	به طور شفاهی	59. realize	فهمیدن - پی بردن
8. almost	تقریبا	34. season	فصل	60. operate	عمل کردن - به کار انداختن
9. snow - covered	پوشیده از برف	35. so far	تا کنون	61. comfortable	راحت
10. attract	جذب کردن - جلب کردن	36. from the beginning	از آغاز	62. length	طول
11. competition	رقابت - مسابقه	37. expect	انتظار داشتن	63. width	پهنای عرض
12. among	در میان	38. destroy	نابود کردن	64. height	ارتفاع - قد
13. take part (in)	شرکت کردن (در)	39. advise	توصیه کردن به - نصیحت کردن	65. depth	عمق
14. event	واقعه	40. permit	اجازه دادن	66. heat	گرما
15. track and field	دو و میدانی	41. force	مجبور کردن	67. measure	اندازه گرفتن
16. and so on	و غیره	42. serious	جدی	68. lake	دریاچه
17. Greece	یونان	43. imperative	وجه امری	69. bottom	ته - پایین
18. (on) plain	(در) جلگه - دشت	44. indirect speech	نقل قول غیر مستقیم	70. bathroom	حمام
19. basically	اساسا	45. second floor	طبقه دوم		
20. play a part	نقش داشتن (در)	46. touch	دست زدن به - لمس کردن		
21. friendship	دوستی	47. shelf	قفسه		
22. international	بین المللی	48. make a noise	سر و صدا کردن		
23. decide	تعیین کردن - تصمیم گرفتن	49. exactly	دقیقا		
24. site	محل	50. encourage	تشویق کردن		
25. organize	سازماندهی کردن	51. quiet	ساکت - آرام		
26. world war	جنگ جهانی	52. immediately	فورا		

1. hard - working	سخت کوش	22. meal	غذا - وعده غذا	43. frightened	ترسیده - وحشت زده
2. invent	اختراع کردن	23. papyrus	پاپیروس	44. carpet	فرش
3. far apart	دور از هم	24. Egypt	مصر	45. cotton	پنبه - نخ
4. jump	پریدن	25. sheet	ورق - ورقه	46. taste	مزه داشتن
5. excited	هیجان زده	26. that's why	به این دلیل است که	47. appear	به نظر رسیدن
6. certain	معین مشخص	27. actually	واقعا - در واقع	48. quality	کیفیت
7. fast	روه گرفتن	28. suggest	پیشنهاد کردن	49. nationality	ملیت
8. as soon as	به محض اینکه	29. common	متداول	50. material	ماده
9. puzzle	معما - پازل	30. fear	ترس	51. involve	شامل شدن - مستلزم بودن
10. each other	یکدیگر	31. bored	خسته - کسل	52. keep accounts	حسابداری کردن نگه داشتن حساب ها
11. invention	اختراع	32. boring	خسته کننده	53. manage	اداره کردن
12. wonderful	فوق العاده	33. excited	هیجان زده	54. immediately	فورا
13. wire	سیم	34. exciting	هیجان انگیز	55. Do you really mean it ?	واقعا جدي مي گويي
14. shout	فریاد زدن	35. amused	سرگرم		
15. call out	فریاد زدن	36. amusing	سرگرم کننده - خنده دار		
16. instead	در عوض	37. confused	گیج		
17. by that time	تا آن موقع	38. confusing	گیج کننده		
18. habit	عادت	39. shocked	شوکه		
19. secret	سري - پنهان	40. shocking	تکان دهنده - هولناک		
20. behind	پشت	41. surprised	متعجب - حیرت زده		
21. make up	ساختن - تشکیل دادن	42. surprising	تعجب آور - حیرت انگیز		

1. field	رشته تحصیلی	24. addition	اضافه - جمع - افزایش	47. forest	جنگل
2. interest	علاقه	25. in addition to	علاوه بر	48. lab	آزمایشگاه
3. field of interest	رشته مورد علاقه	26. medicine	پزشکی - دارو	49. publish	منتشر کردن
4. design	طراحی کردن	27. chemist	شیمی دان - دارو ساز	50. main	اصلی
5. designer	طراح	28. drug	دارو	51. direction	مسیر - جهت
6. tower	برج	29. perform	انجام دادن	52. straight	مستقیم
7. giant	غول پیکر - خیلی بزرگ	30. task	کار - وظیفه	53. belong	تعلق داشتن
8. spacecraft	سفینه فضایی	31. by means of	به وسیله	54. belief	باور - اعتقاد
9. recently	اخیرا	32. exactly	دقیقا	55. department	واحد - بخش قسمت
10. orbit	چرخیدن به دور	33. furthermore	به علاوه	56. happiness	خوشحالی - خوشبختی
11. Endeavour	تلاش	34. at the same time	به طور همزمان	57. pilot	خلبان
12. otherwise	وگرنه - در غیر اینصورت	35. central	مرکزی	58. success	موفقیت
13. human	انسانی - بشری	36. constantly	پیوسته - دائم	59. cue	علامت - نشانه
14. disabled	علیل - معلول	37. around	سرتسر - دور	60. foggy	مه الود
15. properly	درست - خوب	38. tool	ابزار	61. scientific subjects	موضوعات علمی
16. process	پردازش کردن	39. entertainment	سرگرمی		
17. almost	تقریبا	40. capacity	ظرفیت - توانایی		
18. action	عمل - اقدام	41. handle	کنترل کردن		
19. superhuman	فوق بشری	42. available	موجود - در دسترس		
20. deny	انکار کردن	43. project	پروژه		
21. influence	تاثیر - نفوذ	44. inform	خبر دادن به - مطلع کردن		
22. importance	اهمیت	45. injured	مجروح		
23. through	از میان - از طریق	46. injure	مجروح کردن		

1. activity	فعالیت	32. fat	چربی	63. nutrient	ماده مغذی
2. aerobics	حرکات هوازی و نرمش	33. fuel	ماده سوختنی	64. period	دوره زمانی
3. basis	مبنا - اساس - پایه	34. function	عملکرد - کارکرد - نقش	65. skull	جمجمه
4. bike ride	دوچرخه سواری	35. height	ارتفاع - قد	66. stair	پله
5. bit	ذره - تکه	36. injury	آسیب بدنی - جراحت	67. statement	بیان - اظهار - گفته
6. blood	خون	37. joint	مفصل	68. decrease	کاهش دادن
7. achievement	موفقیت - دستاورد	38. lung	ریه - شش	69. support	حمایت
8. calorie	کالری	39. material	ماده	70. trouble	دردسر - مشکل
9. chemical	ماده شیمیایی	40. mind	فکر - ذهن	71. vessel	رگ
10. endorphin	هورمون اندروفرین	41. muscle	عضله - ماهیچه	72. weight	وزن
11. bend	خم شدن - خم کردن	42. exercise	ورزش کردن	73. release	ازاد شدن - ازاد کردن
12. bother	اذیت کردن	43. increase	افزایش دادن	74. rely (on)	تکیه کردن به - اعتماد کردن به
13. breathe	نفس کشیدن	44. injure	آسیب زدن - مجروح کردن	75. store	ذخیره کردن
14. chest	قفسه سینه	45. lift	بلند کردن - بالا بردن	76. stretch	کشیدن - کشش
15. burn	سوزاندن - سوختن	46. mention	ذکر کردن - تذکر دادن	77. suggest	پیشنهاد کردن
16. solar	خورشیدی	47. perform	انجام دادن	78. summarize	خلاصه کردن
17. compare	مقایسه کردن	48. pick up	برداشتن	79. touch	دست زدن - لمس کردن
18. create	خلق کردن - ایجاد کردن	49. produce	تولید کردن	80. waste	تلف کردن - هدر دادن
19. depend (on)	تکیه کردن به	50. protect	حمایت کردن - حفاظت کردن	81. weigh	وزن کردن - وزن داشتن
20. aerobic	هوازی	51. fit	سالم - تندرست - متناسب	82. physical	جسمی - بدنی
21. bony	استخوانی	52. flexible	انعطاف پذیر	83. proud	مفتخر - مغرور
22. efficient	موثر - کارآمد	53. hard working	سخت کوش	84. repetitive	تکراری - پشت سر هم
23. excellent	عالی	54. healthy	سالم - تندرست	85. right	درست - صحیح
24. extra	اضافی	55. proportion	تناسب - نسبت	86. fresh	تازه
25. digest	خلاصه - هضم کردن	56. mental	ذهنی - فکری	87. straight	مستقیم - صاف
26. fine	ظریف	57. perfect	کامل	88. failure	شکست - ناموفق بودن
27. actually	واقعا	58. deeply	عمیقا	89. experience	تجربه
28. anymore	دیگر - بیش از این	59. efficiently	به طرز کارآمد	90. over & over	پشت سر هم - چندین بار
29. get into (v)	بحث را آغاز کردن	60. in other words	به عبارت دیگر	91. on your own	به تنهایی
30. I . e (id est)	به عبارت دیگر	61. keep healthy	سالم نگه داشتن	92. through	از میان - از طریق
31. In addition	به علاوه	62. lose weight	وزن کم کردن	93. whether ... or ...	خواه...خواه

1. amount	مقدار - میزان	37. involvement	درگیری - دخالت	72. rating	درجه بندی - درجه
2. attention	توجه	37. listener	شنونده - مخاطب	73. relationship	ارتباط
3. anxious	مضطرب - نگران	38. message	پیام - پیغام	74. respect for	احترام به
4. audience	مخاطبین - حضار	39. mood	حالت - روحیه	75. second	ثانیه
5. balance	تعادل	40. nervousness	نگرانی - دلهره	76. sense	حس
6. belief	اعتقاد - باور	41. norm	هنجار - معیار - استاندارد	77. side	سمت - کنار
7. choice	انتخاب	42. occasion	فرصت - مناسبت	78. silence	سکوت
8. communication	ارتباط	43. opinion	عقیده - نظر	79. skill	مهارت
9. confidence in	اعتماد به - اطمینان به	44. pause	مکث	80. sound	صدا (غیر انسان)
10. contact	تماس - ارتباط	45. permission	اجازه	81. speech	سخنرانی - کلام
11. effect	اثر - تاثیر	46. point	نکته - نقطه	82. stance	طرز ایستادن
12. embarrassment	خجالت - شرم	47. posture	طرز قرار گرفتن بدن	83. subject	موضوع
13. event	رویداد - واقعه	48. power	قدرت - نیرو	84. success	موفقیت
14. expression	حالت چهره	49. presentation	نطق	85. time	دفعه - نوبت
15. function	عملکرد - کارکرد - نقش	50. projection	بیرون دادن (صدا و تصویر)	86. tool	وسیله - ابزار
16. fear	ترس	51. public	مردم - جامعه - عموم	87. variety	تنوع
17. gesture	حرکات سر و دست	52. purpose	هدف	88. voice	صدا (انسان)
18. humor	شوخی طبعی	53. evaluate	ارزیابی کردن	89. volume	حجم یا شدت (صدا)
19. add variety	تنوع دادن	54. give a speech	سخنرانی کردن	90. look	به نظر آمدن
20. allow	اجازه دادن	55. have respect	احترام گذاشتن	91. lower	کاهش دادن
21. concentrate on	تمرکز کردن روی	56. hold	نگه داشتن - برگزار کردن	92. make a difference	تفاوت ایجاد کردن
22. cross	عبور کردن	57. ignore	غفلت کردن - چشم پوشیدن	93. raise	بالا بردن - افزایش دادن
23. decrease	کاهش دادن	58. include	شامل شدن	94. react	واکنش نشان دادن
24. distract	حواس پرت کردن	59. increase	افزایش دادن	95. succeed	موفق شدن
25. disturb	مزاحم شدن	60. involve	درگیر کردن - شامل شدن	96. suppose	فرض کردن
26. emphasize	تاکید کردن	61. lean	تکیه دادن	97. take part	شرکت کردن
27. main points	نکات اصلی	62. distracting	مایه حواس پرتی	98. tap	تق تق زدن
28. afraid of	ترسیده از	63. emotionless	بی احساس - بی عاطفه	99. main	اصلی - عمده
29. along	در امتداد	64. facial	صورتی - چهره ای	100. natural	طبیعی
30. attractive	جذاب	65. firmly	قاطعانه - استوار	101. public	عمومی - همگانی
31. aware of	آگاه از	66. formal	رسمی	102. recent	اخیر - جدید
32. below	زیر	67. from time to time	گاهگاهی	103. relaxed	راحت
33. certain	مشخص - معین	68. in front of	در مقابل	104. several	چندین
34. comfortable	راحت	69. anxiety	اضطراب - نگرانی	105. trustworthy	قابل اعتماد
35. Confident	مطمئن	70. instead of	به جای	106. uninterested	بی علاقه

1. article	مقاله	18. extinction	انقراض	35. pollution	الودگی
2. can	قوطی - کنسرو	19. fossil fuels	سوخت های فسیلی	36. region	ناحیه
3. climate	آب و هوا	20. gasoline	بنزین	37. rise	افزایش
4. coal	زغال سنگ	21. green house	گلخانه	38. source	منبع
5. concern	نگرانی	22. guarantee	تضمین	39. temperature	دما - درجه حرارت
6. conditions	شرایط	23. inaction	عدم اقدام - سستی	40. transportation	حمل و نقل
7. environment	محیط	24. level	سطح - میزان	41. trash	اشغال - زباله
8. exhaust	اگزوز	25. pattern	الگو - طرح	42. wild life	حیات وحش
9. care	مراقب بودن - اهمیت دادن	26. lock up	حبس کردن	43. reduce	کاهش دادن
10. cause	باعث شدن - منجر شدن	27. plant	کاشتن	44. reflect	منعکس کردن
11. enhance	افزایش دادن	28. punish	تنبیه کردن	45. take a long time	طول کشیدن
12. fell	بریدن درختان	29. radiate	تشنع کردن - تابیدن	46. take action	اقدام کردن
13. judge	قضاوت کردن	30. recycle	بازیافت کردن	47. trap	حبس کردن - به دام انداختن
14. concerned	نگران (درباره)	31. particular	به خصوص	48. mainly	عمدتاً
15. excess	اضافی	32. popular	محبوب - عامه پسند	49. pretty	نسبتاً
16. global	جهانی	33. solar	خورشیدی	50. by oneself	به تنهایی
17. mild	ملایم - معتدل	34. surrounding	محیطی - اطراف	51. weigh sth against sth	چیزی را در برابر چیزی سنجیدن

1. aftershock	پس لرزه	27. imagination	تجسم - تصور	53. possibility	امکان - احتمال
2. aid	کمک	28. instruction	دستورالعمل	54. pressure	فشار
3. comparison	مقایسه	29. instrument	وسیله - ابزار	55. procedure	روش - روال - رویه
4. core	مرکز - هسته	30. layer	لایه	56. shock	تکان - لرزه
5. crust	پوسته - قشر	31. mantle	جبه - گوشته	57. situation	وضعیت
6. damage	اسیب - خسارت	32. movement	حرکت	58. skin	پوست
7. destruction	تخریب	33. ocean	اقیانوس	59. storm	توفان
8. doorway	درگاه - استانه در	34. organization	سازمان	60. surface	سطح
9. earthquake	زلزله	35. overpass	روگذر	61. underpass	زیرگذر
10. flood	سیل	36. planet	سیاره	62. vacation	تعطیلات - مرخصی
11. happening	اتفاق	37. hit	ضربه زدن - اصابت کردن	63. rattle	با صدا به هم خوردن - تلق و تلق کردن
12. compare	مقایسه کردن	38. introduce	معرفی کردن	64. shake	لرزاندن - تکان دادن
13. consist of	تشکیل شدن از	39. locate	قرار گرفتن (مکانی) یافتن محل	65. survive	جان سالم به در بردن
14. damage	صدمه زدن	40. occur = happen = take place	اتفاق افتادن - رخ دادن	66. soft	نرم - ملایم
15. destroy	تخریب کردن	41. predict	پیش بینی کردن	67. special	مخصوص - ویژه
16. experience	تجربه کردن	42. provide	فراهم کردن	68. sudden	ناگهانی
17. float	شناور شدن	43. light	سبک	69. terrible	وحشتناک - شدید
18. forecast	پیش بینی (وضع هوا)	44. made up of	تشکیل شده از	70. thin	نازک - لاغر - رقیق
19. calm	آرام - خونسرد	45. national	ملی	71. so far	تا به حال - تا کنون
20. common	معمول - رایج	46. populated	پر جمعیت	72. reality	واقعیت
21. destructive	مخرب - ویرانگر	47. probable	احتمالی - محتمل	73. in comparison to	در مقایسه با
22. free of	خالی از - رها از	48. luckily	خوشبختانه	74. regular	منظم - معمولی
23. frightening	ترسناک	49. fortunately	خوشبختانه		
24. along	در طول	50. particularly	مخصوصا		
25. completely	کاملا	51. smoothly	به نرمی - به روانی		
26. entirely	کاملا	52. plate	صفحه (زیر زمینی)		

1. agriculture	کشاورزی	29. growing concern	نگرانی فزاینده	57. percent	درصد
2. apprentice	کارآموز - شاگرد	30. inaction	عدم فعالیت	58. poverty	فقر
3. brick	خشت - آجر	31. income	درآمد	59. right	حق
4. case	مورد - پرونده	32. issue	مسأله - موضوع	60. social movements	تحركات اجتماعي
5. construction	ساخت و ساز	33. labor	کار	61. strategy	راهکار - برنامه
6. contrast	تضاد - تقابل	34. laborer	کارگر	62. trade	تجارت
7. countryside	حومه شهر	35. material	ماده - پارچه	63. unemployment	بیکاری
8. fund	صندوق - سازمان	36. organization	سازمان - سازمان دهی	64. union	اتحادیه
9. discipline	تحت انضباط در آوردن	37. guarantee	تضمین کردن	65. mine	استخراج کردن - معدن زدن
10. estimate	تخمین زدن	38. handle	کنترل کردن - دست زدن به	66. prevent from	جلو گیری کردن از
11. fail	شکست خوردن	39. help out	کمک کردن - مشکل کسی را حل کردن	67. provide with	فراهم کردن
12. follow	پیروی کردن	40. hire	کرایه کردن - استخدام کردن	68. remove from	دور کردن - حذف کردن
13. form	شکل دادن - تشکیل دادن	41. keep from	جلو گیری کردن از	69. rob sb of	محروم کردن از
14. get a cold	سرما خوردن	42. make a law	قانون گذاری کردن	70. stop from	جلو گیری کردن از
15. get up	بلند شدن	43. make money	پول در آوردن	71. serious	جدی
16. establish	تاسیس کردن	44. manufacture	تولید کردن - ساختن	72. specific	ویژه - به خصوص
17. aware of	آگاه از	45. free	رایگان - آزاد	73. talkative	پر حرف
18. ceramic	سرامیک - سفالی	46. individual	شخصی - فردی	74. unable	ناتوان
19. developed	توسعه یافته	47. indoor	داخل سالن - سرپوشیده	75. urban	شهری
20. developing	در حال توسعه	48. industrialized	صنعتی	76. willing	مایل - راضی
21. domestic	داخلی - بومی	49. irrelevant	بی ارتباط	77. while	در حالی که
22. economic	اقتصادی	50. express hope	ابراز امیدواری کردن	78. physically	از نظر جسمی
23. extreme	غیر معمول - شدید	51. rural	روستایی	79. such as	برای مثال - از قبیل
24. appropriate	مناسب	52. self - employed	خویش فرما		
25. economically	از نظر اقتصادی	53. mentally	از نظر ذهنی		
26. emotionally	از نظر عاطفی	54. mostly	عمدتا - اکثرا		
27. luckily	خوشبختانه	55. on the other hand	از طرف دیگر		
28. at least	حداقل	56. whereas	در حالی که		

1. age	عصر - دوره	31. observation	مشاهده	61. run	مدیریت کردن - کنترل کردن
2. Antarctica	قطب جنوب	32. phase	مرحله - فاز	62. upper	فوقانی - بالایی
3. astronaut	فضا نورد - کیهان شناس	33. pioneer	پیشگامان		
4. base	پایگاه	34. planet	سیاره		
5. cave	غار	35. pole	قطب		
6. crater	چاله - دهانه آتشفشان	36. probe	کاوشگر		
7. density	غلظت - تراکم	37. process	پردازش کردن - فراوری کردن		
8. detail	جزئی	38. launch	به فضا فرستادن		
9. device	وسیله - ابزار	39. magnify	بزرگ نمایی کردن		
10. era	عصر - دوران	40. measure	اندازه گرفتن		
11. exploration	کاوش - جستجو	41. orbit	چرخیدن		
12. feature	خصوصیت - ویژگی	42. distant	دور		
13. germ	باکتری - میکروب	43. former	قبلی - سابق		
14. instrument	ابزار - وسیله	44. further	بیشتر		
15. invention	اختراع	45. room	فضا - جا		
16. direct	هدایت کردن	46. sample	نمونه		
17. dream	در خواب دیدن	47. satellite	ماهواره - قمر		
18. explore	کاوش کردن - جستجو کردن	78. Saturn	سیاره کیوان (زحل)		
19. invent	اختراع کردن	49. soccer	فوتبال		
20. ancient	باستانی - قدیمی	50. soviet Union	اتحادیه شوروی		
21. artificial	مصنوعی - ساختگی	51. spacecraft	سفینه فضایی		
22. best known	شناخته شده ترین	52. station	ایستگاه		
23. Jupiter	سیاره مشتری	53. Uranus	سیاره اورانوس		
24. length	طول	54. valley	دره		
25. mass	جرم	55. vehicle	وسیله نقلیه		
26. mineral	ماده معدنی	56. Venus	ناهید - زهره		
27. mission	ماموریت	57. voyage	سفر دریایی - سفر فضایی		
28. mystery	راز - سر	58. voyager	دریا نورد - فضا نورد		
29. Neptune	سیاره نپتون	59. record	ثابت کردن		

1. catalog	کاتالوگ	28. network	شبکه	53. process	پردازش کردن
2. chat	گپ - صحبت دوستانه	29. pc	کامپیوتر شخصی	54. speed	سرعت دادن
3. data	اطلاعات - داده‌ها	30. plenty	مقدار زیادی	55. update	به روز کردن
4. definition	تعریف	31. quality	کیفیت - ویژگی	56. programmable	قابل برنامه ریزی
5. destination	مقصد	32. connect	متصل کردن	57. unreadable	غیر قابل خواندن
6. device	وسیله - ابزار	33. forward	ارسال کردن	58. worst	بدترین
7. distance education	آموزش از راه دور	34. keep up with	همگام بودن	پست حلقه‌ای (پست معمولی)	
8. document	مدرک - سند	35. log on	به سیستم وارد شدن	59. postal mail = snail mail	شبکه گسترده جهانی
9. file	پرونده	36. look up	به دنبال معنی کلمه گشتن	60. World wide web (www)	
10. access	دست یافتن به	37. pass sth to sb	منتقل کردن		
11. advertise	تبلیغ کردن	38. inexpensive	ارزان		
12. attach	ضمیمه کردن - چسباندن	39. interchangeable	قابل جابه جایی		
13. combine	ترکیب کردن	40. online	وصل به شبکه		
14. come out	منتشر کردن	41. out of date	تاریخ گذشته		
15. compose	نوشتن	42. personal	شخصی		
16. addictive	اعتیاد آور	43. I . T	فناوری اطلاعات		
17. based on	مبني بر - بر اساس	44. no matter	اهمیتی ندارد		
18. connected	متصل	45. server	کامپیوتر خدمات رسان		
19. electromagnetic	الکترو مغناطیسی	46. sound	صدا		
20. handheld	دستی	47. technology	فناوری		
21. continuously	مستمر	48. telecommunications	مخابرات		
22. for sure	حتما	49. term	اصطلاح - ویژه		
23. internet	اینترنت	50. transfer	انتقال		
24. link	ارتباط - حلقه	51. user	کاربر		
25. mail	پست - نامه	52. video conferencing	کنفرانس تصویری		
26. mailing list	طرف های مکاتبه	53. web	شبکه		
27. multimedia	چند رسانه ای	54. play a role	نقشی را ایفا کردن		

1. award	پاداش	26. private	خصوصی - شخصی	51 . device	ابزار - وسیله
2. brotherhood	برادری - انسا نیت	27. promotion	ارتقاء - ترفیع	52 . at least	حداقل
3. charity	خیریه	28. sign	علامت - نشانه	53 . helpless	درمانده
4. community	اجتماع - جامعه	29. slum	محله فقیر نشین	54 . collect	جمع اوری کردن
5. convent	صومعه - دیر	30. suffering	درد - رنج	55 . manager	مدیر
6. foil	ورقه	31. tin	قلع - قوطی	56 . certainty	اطمینان - یقین
7. impression	تاثیر - اثر	32. usefulness	فایده	57 . take a day off	یک روز مرخصی رفتن
8. annoy	رنجاندن - ازردن	33. ring	زنگ زدن - تلفن زدن	58 . death	مرگ
9. care for	مراقبت کردن از	34. suffer from	رنج بردن از	59 . outline	خلاصه - نکات عمده
10. devote to	اختصاص دادن - وقف کردن	35. work on	کار کردن روی	60. scientific	علمی
11. Christian	مسیحی	36. unpleasant	نامطلوب - ناخوشایند	61 . clinic	درمانگاه
12. complex	پیچیده	37. various	مختلف - گوناگون	62 . observer	ناظر
13. elementary	ابتدایی	38. voluntary	داوطلبانه	63 . task	کار - وظیفه
14. inventor	مخترع	39. superior	ما فوق - مقام ارشد	64 . mission	ماموریت
15. light bulb	لامپ	40 .overcome	غلبه کردن		
16. missionary	مبلغ (مذهبی)	41 . home less	بی خانمان		
17. nun	راهبه	42 .express	بیان کردن		
18. official	مقام رسمی	43 . marry	ازدواج کردن		
19. performance	انجام - اجرا	44 . besides	به علاوه		
20. phonograph	گرامافون	45 . training	آموزش - تربیت		
21. live on	زنده ماندن	46 . elementary school	مدرسه ابتدایی		
22. look after	مراقبت کردن از	47 . saint	قدیس - قدیسه		
23. play back	پخش کردن	48 . as well as	و همچنین		
24 . financial	مالی - پولی	49 . unpleasant	ناخوشایند		
25. likely	محتمل	50 . by force	به زور		

1. attend	حضور یافتن	43. primarily	اساساً در وهله اول
2. attempt	کوشش - تلاش	44. deaf	ناشنوا
3. local	محلی	45. partially	به طور ناتمام - به طور ناقص
4. satisfied	راضی - خشنود	46. handicap	نقص عضو - معلولیت
5. rescue	نجات دادن	47. election	انتخابات
6. rest	بقیه - استراحت	48. prison	زندان
7. participate	شرکت کردن	49. withdraw	خارج کردن - بیرون کشیدن
8. citizen	شهروند	50. crash	تصادف - برخورد شدید
9. represent	نشان دادن - نماینده بودن	51. extremist	تندرو - افراطی
10. professional	حرفه ای	52. pleasure	لذت - تفریح
11. patient	بیمار - صبور	53. express	بیان کردن
12. supply	موجودی - ذخیره	54. tropical	استوایی
13. supplies	لوازم ضروری	55. leather	چرم
14. slang	زبان عامیانه	56. Middle Ages	قرون وسطی
15. furniture	مبلمان - اثاثیه	57. significant	مهم
16. directory	کتاب راهنما - دفتر راهنما	58. significance	اهمیت
17. revolution	انقلاب	59. awful	بسیار بد - وحشتناک
18. advance	پیشرفت	60. accent	لهجه
19. witness	شاهد - شاهد عینی	61. advantage	مزیت - سود
20. contribution	مشارکت - نقش	62. application form	درخواست نامه
21. explicit	صریح - رک	63. assistance	کمک - یاری
22. implicit	اشاره غیر مستقیم	64. apologize	معذرت خواهی کردن
23. partly	تا حدودی - نسبتاً	65. effort	تلاش - کوشش
24. notice	اعلامیه - اطلاعیه	66. equip	تجهیز کردن
25. melt	ذوب شدن	67. conduct	اجرا کردن - هدایت کردن
26. consider	در نظر گرفتن	68. maintain	نگه داشتن - حفظ کردن
27. considerable	قابل ملاحظه	69. brilliant	درخشان - عالی - با استعداد
28. in touch with	در ارتباط بودن با	70. profit	سود - منفعت
29. convey	حمل کردن - انتقال دادن	71. gain	به دست آوردن
30. load	بار - بارگیری	72. attack	حمله کردن
31. rough	خشن - زیر	73. cancer	سرطان
32. owner	مالک - صاحب	74. reach	رسیدن
33. deal with	پرداختن به	75. major	عمده - اصلی
34. flow	در جریان بودن	76. creature	مخلوق - موجود
35. contain	حاوی بودن	77. secretary	منشی
36. gather	جمع اوری کردن	78. state	حالت - بیان کردن
37. slip	سر خوردن - لغزیدن	79. instance	مثال - مورد
38. by the way	راستی - تا یادم نرفته	80. substance	ماده
39. keep in mind	در ذهن داشتن	81. outline	خلاصه - نکات عمده
40. Bible	کتاب مقدس	82. omit	حذف کردن
41. suppose	فرض کردن	83. advisability	مصلحت - توصیه پذیری
42. print	چاپ کردن	84. dependence	وابستگی

1. afford	تامین کردن – استطاعت مالی داشتن	33. shade	سایه
2. awfully	به طور بد – به طور افتضاح	34. shortage	کمبود
3. calculation	محاسبه	35. supervise	سرپرستی کردن – نظارت کردن
4. character	منش – شخصیت	36. supervisor	ناظر – سرپرست
5. conductor	سرپرست خط اتوبوس	37. surgery	جراحی
6. contract	قرارداد	38. translation	ترجمه
7. costly	پر هزینه – گران	39. ultimately	سرانجام – نهایتا
8. culture	فرهنگ	40. unpleasant	نامطلوب – ناخوشایند
9. definitely	مطمنا – قطعا	41. course	دوره تحصیلی
10. diplomacy	سیاست – دیپلماسی	42. freedom	آزادی
11. displease	ناراحت کردن	43. diet	رژیم غذایی
12. dissolve	حل کردن	44. conduct	هدایت کردن
13. eagerly	با اشتیاق – مشتاقانه	45. ceremony	جشن – مراسم
14. elementary	اولیه – ابتدایی	46. exemplify	مثال زدن
15. fine	جریمه کردن – جریمه	47. Generalize	تعمیم دادن
16. hunt	صید کردن – شکار کردن	48. maintain	حفظ کردن
17. ignorance	جهل – نا آگاهی	49. master	تسلط پیدا کردن
18. import	(به کشور) وارد کردن – واردات	50. participate	شرکت کردن
19. improbable	غیر محتمل – بعید	51. patient	صبور – بیمار
20. independent	مستقل	52. primarily	اساسا – عمدتا
21. instruct	آموزش دادن	53. respond	پاسخ دادن
22. inventive	ابداعی – خلاق	54. remind	یادآوری کردن
23. limit	محدود کردن – حد	55. speculate	حدس زدن
24. membership	عضویت	56. supervisor	ناظر
25. nature	طبیعت	57. solid	جامد
26. opportunity	فرصت	58. strength	قدرت
27. ordinary	معمولی	59. transport	حمل و نقل
28. personality	شخصیت	60. expedition	سفر
29. primitive	اولیه – ابتدایی	61. journey	مسافرت کردن – سفر
30. recognize	تشخیص دادن – شناختن		
31. resource	منبع		
32. session	جلسه		